

گفت‌وگو با امیر جعفری

چرخ سینما باید بچرخد امانه به هر قیمتی



بهناز شیربانی

امیر جعفری مسیر دشواری را در بازیگری طی کرده، مسیری که در نهایت با سخت‌کوشی و صبر منجر به اتفاقات خوبی برایش شد. اینکه بازیگری در ایفای نقش‌های کمدی و جدی به یک میزان موفق باشد، ساده نیست و استقبال مردم از آثارش بر این حرف صحه می‌گذارد. جعفری چند ماهی فیلم «اکسیدان» را بر پرده سینما داشت که همراه با جواد عزتی بازی درخشانی را ایفا کرد. این روزها او مشغول بازی در تازه‌ترین اثر سینمایی فرزاد موتمن «سراسر شب» است و همچنان سرگرم بازی در سریال شهرزاد که تا مدتی دیگر فصل سوم آن را خواهیم دید. بهانه این گفت‌وگو بیشتر صحبت درباره نقش آفرینی او در سریال شهرزاد و تجربه‌ای دیگر در کنار حسن فتحی بود، اما به حضورش در تئاتر و چگونگی انتخاب‌های سینمایی‌اش ختم شد.

❖ **فکر می‌کنم حس فتحی از جمله کارگردان‌هایی است که بیشترین همکاری را با او داشتید. خاطرم هست بعد از بازی در سریال «میوه ممنوعه» و بازی در نقش‌هایی که تا پیش از این مخاطب از شما چنین شمایی را در تصویر سراغ نداشت، سرنجام اتفاقات خوبی برای شما شد و بعد «پستچی سه بار در نمی‌زند»، «کیفر»، «نسخه خطی» و درحال حاضر هم «شهرزاد»... که در هر کدام از آنها نقش‌های متفاوتی را تجربه کردید، اینکه هرودی شما خاستگاه مشترک تئاتری دارید باعث می‌شود تعامل بهتری با هم داشته باشید یا اصولا رنگ آمیزی نقش‌ها در آثار فتحی به‌گونه‌ای است که نقش‌ها برجسته‌تر می‌شود؟**

فکر می‌کنم آقای فتحی هم دوست دارند کارهای متفاوتی انجام بدهند تا اینکه کارهایی را که جواب گرفته ادامه بدهند، مثلا نگاه کنید بین آثار حسن فتحی، کار کمدی «اشک‌ها و لب‌خندها» هم هست، طبعاً اکثر بازیگران هم در کارهایش متفاوت بوده‌اند.

❖ **البته این نکته درستی است که معمولا رنگ آمیزی نقش‌ها در آثار فتحی متفاوت‌تر است، اما تصور می‌کنم دست‌کم در همین همکاری اخیر سریال «شهرزاد» رسیدن به نقش با خلاقیت‌هایی که از شما سراغ دارم، شخصیت سروان سریال را برجسته‌تر کرده است...**

به‌هرحال شاید همه‌چیز در متن نباشد، اما توضیحات آقای فتحی تو را به سمنی هدایت می‌کند که به‌عنوان بازیگر، شخصیت متفاوتی را به نمایش بگذاری. اگر قرار باشد من نقش همان سروانی را بازی کنم که طبق معمول مثل هر چیزی که تا به امروز دیدم بازی کنم، قطعاً تکرار خواهد بود. قبل از رفتن مقابل دوربین در توضیحات متن نکاتی درباره این نقش نوشته شده بود، اینکه سروانی است که گوشش کمی سنگین است و نکات دیگری که کندهایی از این شخصیت می‌داد یا اساسا شخصیتی است که از بچگی از آدم‌های اعیان‌نشین زخم خورده است و یک سری ویژگی‌ها به به نقش اضافه شد.

❖ **رسمت شما چه چیزهایی به نقش اضافه شد؟**

معمولا همیشه سعی می‌کنم به اصطلاح نقش را از فیلتر ذهن خودم رد کنم، مثلا فکر کردم اگر سروان آن دوران بودم و این اتفاقات برای من می‌افتاد چه واکنشی نشان می‌دادم؟ زندگی را در بازی‌کردن خیلی سخت نمی‌گیرم، اما نکته‌ای که در ارتباط با شخصیت من در سریال وجود دارد این است که نقش من در فصل سوم پررنگ‌تر می‌شود و فکر می‌کنم درباره جزئیات نقش بتوان در فصل سوم مفصل‌تر صحبت کرد.

❖ **البته یکی از نکات قابل‌توجه این سریال هم حضور بازیگرانی است که ریشه و سابقه‌ای در تئاتر دارند...**

بله، به نظر من چه‌هایی که ریشه تئاتری داشتند در حقیقت کارهای متفاوت‌تری انجام می‌دهند، اساسا ذات تئاتر این است که دوست داری نقش‌های متفاوت را تجربه کنی.

❖ **معمولا از دید مخاطب کارهای خودتان را نقد می‌کنید، فکر می‌کنید «شهرزاد» در این دو فصل سریال موفقی بود؟**

آن‌قدر درگیر کار بودم که متأسفانه فصل دوم سریال را کامل ندیدم اما از واکنش‌های مردم نسبت به سریال می‌شود حس کرد که «شهرزاد» جزء سریال‌های موفق‌ی است که دیده شد، اما در مقام بازیگر اصولا عادت ندارم از کارهای خود تعریف کنم.

❖ **اما فصل دوم سریال بر خلاف فصل اول واکنش‌های متفاوت‌تری داشت، برخی معتقدند قصه به اندازه فصل اول جذاب نبود، البته گمان می‌کنم شاید به دلیل تجربه‌های ناموفقی که سریال‌های ما در فصل‌های متعدد دارد، باید کمی به آن‌ها حق داد که با اوج و فرودهای قصه همراهی نکنند. نظر شما درباره این موضوع چیست؟**

من با شما موافقم، تصور می‌کنم کمی مردم عجولی هستیم و معمولا صبر نمی‌کنیم. قطعیا در فصل سوم سریال می‌بینید یک سری اتفاقاتی که در فصل دوم رخ داد، حتما هدفی داشته است. بنابراین کمی صبوری برای دیدن چنین سریال‌هایی لازم است. شاید مردم دوست دارند همه‌چیز در اوج تمام شود. در صورتی که در تمام دنیا هم می‌بینیم مثلا سریال «هوم لند» در فصل یک فوق‌العاده است و فصل دوم کمی افنت می‌کند و بار دیگر فصل سوم اوج می‌گیرد، یا سریال «۲۴» همین ویژگی را دارد. اما قطعاً اگر کمی صبوری به خرج دهیم می‌بینید که در فصل سوم اتفاقات جالب‌تری خواهیم دید.

❖ **تا به‌حال تجربه حضور در شبکه نمایش خانگی را نداشته‌اید، فکر می‌کنم با حضور در سریال «شهرزاد» و بازخوردهایی که گرفتید می‌توانید ارزیابی‌ای نسبت به این مدیوم داشته باشید. فکر می‌کنید توانسته جای خودش را میان مخاطبانش باز کند یا رقیب جدی برای تلویزیون باشد؟**

اصولا تلویزیون افت کرده و باید این واقعیت را پذیرفت. متأسفانه شرایط مالی صداوسیما خوب نیست و نمی‌تواند بودجه‌ها را تأمین کند و از بازیگران و کارگردان‌هایی که می‌توانند اثرگذاری بهتری داشته باشند استفاده کند. در این شرایط طبعاً شبکه نمایش خانگی شرایط دیگری دارد. مردم برایش هزینه می‌کنند و می‌توانند هر زمانی که بخواهند سریال مورد نظرشان را ببینند و از این نظر شرایط بهتری است و حس می‌کنم جای خودش را بین مخاطبانش هم پیدا کرده است.

❖ **با توجه به مشکلاتی که اشاره کردید ارتباط شما با تلویزیون کمرنگ‌تر شده؟**

نه اگر کار خوب پیشنهاد شود انجام می‌دهم، کاری که باب میلم باشد، کاری که متوجه شوم دیده می‌شود در بین پیشنهادهایی که داشتم ندیدم، اما قطعاً از کار خوب استقبال می‌کنم.

❖ **اینکه با تمام مشغله‌های کاری معمولا در سال جایی برای حضور در تئاتر پیدا می‌کنید و برایش وقت می‌گذارید قابل تأمل است. این روزها «کوکوی کبوتران حرم» در دیگر روی صحنه رفته است و شما این بار به شکل دیگری**



حضور دارید و تنها صدای شما شنیده می‌شود، شخصیت‌هایی که پیش از این علیرضا نادری آنها را بازی می‌کرد، از حضور در این نمایش و تجربه همکاری با افسانه ماهیان صحبت می‌کنید؟

درباره پرسش اول باید بگویم سعی می‌کنم معمولا سالی سه کار را در تئاتر داشته باشم. اما قطعاً تاتر سختی‌های خودش را دارد مثل الان که من هم‌زمان با بازی در سریال «شهرزاد» و فیلم «سراسر شب» مشغول تمرین تئاتری هستم که ۲۰ آبان اجرائیش شروع می‌شود. تئاتر قطعاً نیاز به زمان بیشتری دارد و نیاز است که هم به‌لحاظ زمان و هم شرایط مالی تأمین باشی تا برایش زمان کافی بگذاری، اما با توجه به تمام این شرایط سالی یک کار را حتما انجام می‌دهم. در مورد نمایش «کوکوی کبوتران حرم» متأسفانه فرصت نشد اجرای جدید را ببینم، اما اجرای قبلی را دو، سه بار دیدم، چراکه معتقدم کارهای علیرضا نادری دانشگاه است و باید دید و به‌خاطر عرقی که به آقای نادری داشتم، دوستانی که در این نمایش حضور دارند و افسانه ماهیان که از همکاران قدیمی هستیم و تا به‌حال همکاری‌های خوبی با هم داشتیم این کار را پذیرفتم. «کوکوی کبوتران حرم» به نظرم کار فوق‌العاده‌ای است و همه باید این نمایش را ببینند، به معنی واقعی دیدن آثار علیرضا نادری یک آموزشگاه بازیگری و نمایش‌نامه‌نویسی است یا یک ورک‌شاپ است. از نظر من مهم‌ترین ویژگی آثار او این است که هیچ‌کدامشان تاریخ انقضا ندارند. مثلا نگاه کنید به «پچپچه‌های پشت خت نبرد» که سال‌ها پیش استاد نادری آن را کارگردانی کرد و بعد گروه دیگری آمدند و چندین بار آن را اجرا کردند و همچنان مردم از آن استقبال می‌کنند.

❖ **به نظر می‌رسد این روزها مردم از تئاتر بیشتر استقبال می‌کنند...**
بله، به نظر خیلی از تئاترها مدت‌هاست که از فیلم‌ها بیشتر می‌فروشند، مثل کار آقای رحمانیان که فروش بسیار خوبی داشت و مردم هم از نمایش‌ها استقبال می‌کنند. شاید یکی از دلایل حضور نیروهای جوان و مستعد در تئاتر کشورمان است که ایده‌های خوب و جالب دیگری دارند و مردم هم متوجه شدند لذتی که از تاتر می‌برند شاید از هیچ چیز دیگری نبرند و حقیقتاً لذت تئاتر برای تماشاگر و بازیگر وصف‌نشدنی است.



❖ **از تئاتر فاصله بگیریم، کمی به انتخاب‌های سینمایی شما نگاه کنیم، انتخاب‌هایی که تنوع زیادی در آن دیده می‌شود و از گونه‌های مختلف سینمایی است؛ مثل همین تجربه اخیر و حضور در فیلم «سراسر شب» فرزاد موتمن که گویا تجربه متفاوتی برای شماست...**

بله، انتخاب‌ها متفاوت است. اگر از این انتخاب‌ها صحبت کنم باید بگویم که اساسا اسم کارگردان خیلی برایم وسوسه‌کننده نیست. تجربه این را داشتم که با کارگردان‌های مطرح که اسم هم داشتند کار کردم اما عملاً نتیجه آن طور که فکر می‌کردم نشد. الان فیلم‌نامه از هر چیز دیگری بیشتر برایم اهمیت دارد. البته گاهی شرایطی هم برای همه ما بازیگران پیش می‌آید کارهایی انجام می‌دهیم که دوست نداریم یا اینکه در کاری حضور داشتیم که فکر می‌کردیم نتیجه خوبی دارد اما این اتفاق نیفتاده است.

❖ **فکر می‌کنم تا حد زیادی فیلم‌نامه خوب و جینش درست بازیگر در تجربه اخیریه که در «اکسیدان» داشتید خودش را نشان داد. بسیاری این فیلم را یکی از بازی‌های خوب شما در سینما توصیف کردند و زوج شما و جواد عزتی را یکی از اتفاقات مثبت فیلم دانستند...**

«اکسیدان» تجربه جذابی بود و جزء کمدی‌هایی است که قابل دفاع است و پایش می‌ایستم. خوشبختانه برخی کارگردان‌ها مثل حامد محمدی ریسک می‌کنند و نتیجه خوبی حاصل می‌شود. اگر کارگردان‌های ما اهل ریسک‌کردن باشند زوج‌های بسیاری می‌توان تشکیل داد. من با سعید آقاخانی هم تجربه همکاری داشتم که زوج بودیم و به اصطلاح جواب داد. اما متأسفانه وقتی کاری می‌گیرد و تجربه‌ای جواب می‌دهد بسیاری دنبال این هستند که آن را تکرار کنند.

تا به‌حال فیلم‌نامه‌هایی به من پیشنهاد شده که حال‌وهوای «اکسیدان» را دارند و صرفاً به دلیل موفقیت این فیلم بسیاری به دنبال تکرارش هستند. در صورتی که به نظرم این تکرار برای بازیگر جذابیتی ندارد.

❖ **بارها درباره موفقیت‌های شما در تئاتر به نسبت سینما صحبت می‌کنند، اینکه چرا بسیاری از نقش‌های سینمایی شما آن‌طور که باید دیده نشد، این موضوع چقدر برای شما مهم است؟**

معتقدم جواز در جشنواره‌ها بیشتر بر اساس سلاقی اهدا می‌شود، شاید همان سال‌هایی که در تئاتر جایزه می‌گرفتم اگر داوران افراد دیگری بودند، من آن جایزه‌ها را نمی‌گرفتم، سینما هم به همین شکل است. جایزه قطعاً اتفاق شربینی است، ما هنوز ذات بچگی را داریم و دوست داریم تشویق شویم. چند باری که برای دریافت جایزه در جشنواره کانفیدا شدم می‌دانستم که جایزه نمی‌گیرم قطعاً وقتی فضا را می‌سنجی می‌توانی ارزیابی داشته باشی و برای من هم همین‌طور بود. نمی‌گویم آنهایی که جایزه گرفتند به حق یا ناحق بوده، بحث سلیقه‌ای است که قطعاً سلیقه داوران بازی من نبوده.

❖ **اما برخی بازیگران معتقدند که شاید فرصتی که برای دیده‌شدن در نقشی خاص نصیب بازیگری می‌شود، تکرار نشود، این دیده‌شدن ممکن است کارنامه بازیگر را هم تغییر دهد...**

من بیشتر از اینکه جایزه نگرفتم، نگران این هستم که سنم بالا برود و نقش‌هایی را که می‌توانم بازی کنم، از دست بدهم. واقعا دوست دارم نقش‌هایی را بازی کنم که از تجربه آنها لذت ببرم و طبعاً با بالاترین سن بعضی نقش‌ها را نمی‌توان بازی کرد و حسرت بازی‌نکردن آن نقش‌ها بیشتر اذیتم می‌کند تا جوازیه می‌می‌توانستم بگیرم و نگرفتم. شاید هم هنوز نوبتم نرسیده مثل علی حاتمی که هیچ‌وقت جایزهای نگرفت، اما علی حاتمی همیشه علی حاتمی ماند.

❖ **تا به‌حال حسرت بازی‌نکردن نقشی را داشته‌اید؟**

چیز خاصی نبوده که برایم حسرت‌برانگیز باشد. حسرت من بیشتر از این بابت است که چقدر فرصت نقش‌هایی را که می‌توانست نوشته شود و جای نقش‌های تکراری پیشنهاد نشود می‌خورم، تا اینکه ای کاش نقش کسی دیگر را بازی می‌کردم.

❖ **فکر می‌کنم الان جایی هستم که باید باشم. تلاشم را کردم، اگر جایی که باید باشم هم نیستم، لابد قسمت این بوده، شاید باید در ۵۰ سالگی جایزه بگیرم. الان در سن ۴۳سالگی به این نتیجه رسیدم مهم نیست جایزه بگیرم یا نگیرم. بیشتر سعی می‌کنم از هر پلانی که بازی می‌کنم لذت ببرم، اگر به گذشته و آینده فکر کنم فقط زمان حالم را خراب می‌کنم.**

❖ **فکر می‌کنم تعداد کارهای کمدی که به شما پیشنهاد می‌شود با کارهای جدی تقریباً برابری می‌کند، علاقه‌مندی خود شما کدام‌یک است یا مردم معمولا از شما چه انتظاری دارند؟**

۵۰-۵۱ است. مردم نظرات متفاوتی دارند. برخی می‌گویند چرا کمدی کار می‌کنی؟ چیزی را که در میوه ممنوعه، زیر هشت، کیفر، پستچی سه بار در نمی‌زند، نفوذی و... ساختی؛ خراب می‌کنی و بعضی دیگر کارهای کمدی من را دوست دارند.

به نظرم اگر کمدی‌های خوب ساخته شود اتفاق خوبی است، اما اگر فقط ساخته شود که مردم سینما بروند و پولی جمع شود خوب نیست. من هم دوست دارم چرخ سینما بچرخد، اما نه به هر قیمتی. بعضی وقت‌ها کمدی‌هایی که به من پیشنهاد می‌شود کمدی‌های بدی است و فکر می‌کنم باید ۳۰ سال پیش ساخته می‌شد. الان ذائقه مردم فرق کرده و به فیلم‌های روز دنیا دسترسی دارند و مقایسه می‌کنند. باید از این رقابت عقب نماییم و سعی کنیم کمدی‌های بسازیم که حال مردم خوب شود. اما در مورد علاقه‌مندی خودم باید بگویم دوست دارم کار کمدی خوب انجام بدهم. چون وقتی می‌بینم حال مردم خوب است، از کارم راضی‌ترم.

❖ **بعد از «سراسر شب» مشغول کار دیگری خواهید بود؟**

صحبت‌هایی شده که هنوز قطعی نیست. به‌هرحال سریال «شهرزاد» زمان زیادی از من می‌گیرد و اولویتم سریال «شهرزاد» است.

❖ **بهانه صحبت سریال «شهرزاد» است، نکته‌ای در ارتباط با سریال باقی مانده است؟**

این گروه چند سالی است که برای مردم کار می‌کنند، به‌هرحال قطعاً وظیفه است، نمی‌گویم که مدام متشکر کنید، اما صحبتیم این است که زحمات گروه «شهرزاد» را با صبوری نگاه کنید.

تلویزیون و تئاتر

دوشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۶ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۹۳ • ۹

روزنامه شرق

دریچه

مواجهه هنرمند ژاپنی با اثرش بعد از ۴۰ سال

گروه هنر: هنرمند ژاپنی بعد از ۴۰ سال بار دیگر با اثرش دیدار کرد. به گزارش روابطعمومی موزه هنرهای معاصر تهران، «نوریوکی هاراگوچی»، خالق اثر «ماده و فکر» (حوض روغن)، پس از ۴۰ سال دوباره با اثرش در موزه هنرهای معاصر تهران دیدار و آن را برای اقدامات مورد نیاز بازنگری کرد.
ایسن هنرمند ژاپنی در دیدار ساختمان و بنای موزه هنرهای معاصر تهران بعد از ۴۰ سال تغییری نکرده، اما شهر تهران و خیابان‌های آن تغییر کرده است. من بیش از ۱۰ اثر در نقاط مختلف جهان کار کرده‌ام و این اثر در موزه هنرهای معاصر تهران به صورت ثابت ۴۰ سال نگهداری شده است و امیدوارم همچنان سال‌ها در موزه باشد. او اظهار کرد: فرهنگ ایران و ژاپن یک حس مشترک دارد و نگهداری این اثر که سکوت را نشان می‌دهد، بیانگر همان حس مشترک است که در فرهنگ ایران وجود دارد و آن ساکت‌بودن و سکوت است. علی‌محمد زارع نیز در این دیدار گفت: مایه خوشحالی است که هاراگوچی پس از ۴۰ سال به ایران آمده و با اثرش در موزه هنرهای معاصر تهران مواجه می‌شود. هنرمندان و جامعه هنری ایران هم از حضور هاراگوچی در ایران استقبال کردند و خوشحال شدند و از تلاش شیرین صباچی هم برای حضور هاراگوچی در موزه هنرهای معاصر تهران قدردانی می‌کنم. او در ادامه تأکید کرد: حضور هاراگوچی و بازنگری اثر «ماده و فکر» (حوض روغن) پس از ۴۰ سال این فرصت را فراهم می‌کند تا این اثر سال‌های طولانی همچنان در موزه هنرهای معاصر تهران باشد.

به بهانه نمایش‌نامه‌خوانی «مرگ در پاییز»

مثلث رنج، صداقت و ناسازگاری

مجتبی حدیدی: «محاق» و «مسافران» بخشی از نمایش‌نامه «مرگ در پاییز» اکبر رادی است که جمعه چهاردهم مهر در تالار مشاهیر تئاترشهر به کارگردانی غلامرضا عربی نمایش‌نامه‌خوانی شد. این نمایش‌نامه را گروه تئاتر باران به اجرای موفقی رساند. این اجرا با امیرعباس توفیقی، معصومه عزیزمحمدی، مقداد اسلاسی، ابراهیم خسروی، حمیدرضا زغم، زهرا مقدسی، مقداد کلدار، آساره هاوند و غلامرضا عربی نقش‌خوانی شد و مخاطبان رادی دوباره با اندیشه‌های او هم‌نشین شدند. مصداق‌شدن این اجرا با همراه تولد رادی، لطف این هم‌نشینی را بیشتر کرد. غلامرضا عربی سال‌ها پیش از این نیز در ساحت صحنه‌ای مسافران را در فرهنگ‌سرای بهمین به



اجرا برده بود. نگاه بومی رادی در متونش به مذاق ایرانی سازگار است. این نمایش‌نامه‌نویس فقید، انسانیت و اخلاق را به دردها گره می‌زند و در نمایش‌نامه‌هایش اثبات می‌کند که دردهای ایرانی را می‌شناسد. ایده‌های او در فضایی وطنی به نگارش درمی‌آید. آثار او مانند آرتور میلر این قابلیت را دارد که اهرم‌های یک جامعه و اختلالات ناشی از رفتار آدمی را بازنمایی کند و مخاطب را به اندیشه و دارد. اتصالات زبانی رادی در مسافران، پر از اصطلاحات و فرهنگ بومی شمال کشور است و ازاین‌رو قابلیت ترجمه را از دست می‌دهد. این ویژگی نوشتار رادی است، چرا که او در سطح جهانی فکر می‌کند و منطقه‌ای نمی‌نویسد. مرگ در پاییز با اینکه در دهه ۴۰ خورشیدی نوشته شده اما هنوز ارتباط بینامتنی خود را با مخاطب امروز حفظ کرده است. گره‌های فلسفی‌اش هنجارها، عدالت و الگوهای زیستی است که در شخصیت‌ها ظهور می‌کند و سوت‌تفاهم‌ها را به مخاطب نشان می‌دهد. رنج، صداقت و ناسازگاری مؤلفه‌های دیگر این نمایش بودند و گروه تئاتر باران مانند پلی، مخاطب را به اندیشه رادی سوق داد. عربی با شناخت کافی از آثار رادی موفقیت خود را دوباره در این راستا به اثبات رساند. جای خرسندی است که حسین مسافرآستانه، از استادان مسئول در هنرهای نمایشی، در این جمع به‌عنوان مخاطب حضور داشت و با قول اجرای عموم، لذت این هم‌نشینی را دوچندان کرد.

روایت تاریخ موسیقی فارسی‌زبانان در پاریس

گروه هنر: نمایشگاه عکس استادان موسیقی معاصر فارسی‌زبان که کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان در پاریس به نمایش درخواهد آمد. این رویداد هنری که ژانویه ۲۰۱۸ در پاریس برگزار می‌شود، میزبان نمایشگاه عکس استادان موسیقی فارسی‌زبان معاصر خواهد بود. این مجموعه ارزشمند که حاصل تلاش فروغ بهمن‌پور، پژوهشگر موسیقی و عکاس است، در نخستین جشنواره هنری پارسی‌زبانان اروپا روی دیوار می‌رود. فروغ بهمن‌پور با اشاره به اینکه این مجموعه ارزشمند در طول ۲۰ سال جمع‌آوری شده است، گفت: در طول دو دهه تصاویر دیده‌نشده‌ای از استادان موسیقی و خوانندگان مطرح فارسی‌زبان ایرانی، افغانستانی و تاجیکی را جمع‌آوری کرده‌ام. وی دراین‌باره افزود: حدود پنج‌هزار تصویر گردآوری شده که تعداد محدودی از این تصاویر تا به‌حال در ایران و اروپا به نمایش درآمده است. این هنرمند اظهار کرد: با توجه به رویکرد جشنواره پارسی‌زبانان، بیش‌ک نمایش این آثار برای مخاطبان فارسی‌زبان اروپا مایه خوشحالی است. انجمن فرهنگی- هنری پریشانا قرار است ژانویه ۲۰۱۸ نخستین جشنواره هنری فارسی‌زبانان اروپا را در پاریس برگزار کند.

دکه

تازه‌های نمایش خانگی

«وارونگی» در دنیای آدم‌ها

فیلم سینمایی «وارونگی»، سومین ساخته سینمایی بهنام بهزادی است؛ کارگردانی که با ساخت فیلم نخستش «تنها دو بار زندگی می‌کنیم»، نگاه‌های بسیاری را به خود جلب کرد. این فیلم توانست در فهرست فیلم‌های منتخب منتقدان جایگاه خوبی را به خود اختصاص بدهد و بسیاری منتظر فیلم‌های بعدی بهزادی بودند. «قاعده تصادف» دومین تجربه سینمایی او به‌لحاظ مضمون تفاوت‌هایی با فیلم نخست او داشت اما او این بار با نزدیک‌شدن به دنیای نسل جوان و به تصویرکشیدن دغدغه‌ها و مشکلات طیفی از جوانان، حال‌وهوای دیگری را در فیلم‌سازی تجربه کرد و «وارونگی»، سومین اثر سینمایی او باز هم شکل و شمایل متفاوت‌تری نسبت به ساخته‌های پیشینش دارد. او در این فیلم سینمایی داستانی به ظاهر ساده را روایت می‌کند؛ نیلوفر، با بازی سحر دولتشاهی در نقش اصلی فیلم، با مادرش زندگی می‌کند و به نوعی در میان خواهر و برادر دیگرش اوست که مسئولیت مراقبت از مادر را بر عهده دارد و در این میان زندگی شخصی خودش را فراموش کرده است. اما او در گذشته با فردی به نام سهیل آشنا می‌شود که پس از چندین سال، نشانی نیلوفر را پیدا کرده و به سرگاشش آمده است. رابطه آنها که در گذشته ناکام مانده، حالا در آستانه شکل‌گیری دوباره است.

بهزادی در این فیلم با دستمایه قراردادن روابط آدم‌ها در موقعیت‌های خاص سعی در بیان حال‌وهوای و احساسات دختری را دارد که دیگران از بیرون نظاره‌گر زندگی‌اش هستند. اوون کلابیرمن، منتقد، روایتی درباره این فیلم نوشته است «عنوان «وارونگی» تصویری از چشم‌انداز یک کلان‌شهر با چنان دودی است که به‌نظر می‌رسد آسمان‌خراش‌ها در هوای به رنگ گِج آن محو می‌شوند. مثل این است که از شهر لس‌آنجلس فیلم گرفته باشی؛ همانی است که ما در هزار فیلم دیده‌ایم ولی با این تفاوت که این لس‌آنجلس نیست، بلکه تهران است. پایتخت ایران که هنوز برای اینکه به نماد آلودگی مثل پکن تبدیل شود، جا دارد، اما فیلم جدید بهنام بهزادی احتمالش بابت است که چقدر فرصت نقش‌هایی را که می‌توانست نوشته شود و جای نقش‌های تکراری پیشنهاد نشود می‌خورم، تا اینکه ای کاش نقش کسی دیگر را بازی می‌کردم.

این یک وضعیت ظالمانه برای شهروندان تهران است که در این هوا زندگی می‌کنند، اما در «وارونگی» وارونگی موجب بروز یک مجموعه از واکنش‌های اختلافات خانوادگی می‌شود که

با قهرمان زن داستان «نیلوفر» (با علی‌صفا، ستاره پستیانی، رؤیا جاویدنیا، علیرضا آقاخانی، شیرین یزدان از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند. این فیلم سینمایی به‌تازگی در شبکه نمایش خانگی عرضه شده است.

